

ذات اوله صلايته سلام	ان واضحا به تاروز قيام
مطلب مجمل احوال بدر	
ای ابالحیز محمد جللی	ای ابدن ذاتی مرتب جللی
جگر م باره سی عمرم وار	دو حه دولتمک نو بار
بر تو نور حیاتم سن سن	محض خبر و بر کام سن سن
سنی ایتدی کر مندک اعطا	بدرک یوسف نابی به خدا
سندۀ ظاهر را با طفل نبیه	معنی الولد سیرانی
اولدک زانتک ای نور بصیر	زینت کلش هستی بدر
صالحه بی باشمه زانتک سایه	بن سنگله با قرم دنیا به
سنی و برک بکا ای فیض ماب	موسم سن کبر ده وهاب
طوغیچو غلله حسنه ماهی	کذران اولمشیدم پنجاهی

5

چار پنجاهه ویرک سنی حق	هفت سالکده باز لک یوق
وطنم شهر دلا رای رها	وقت تحریر مقررم شهبنا
نه رها نسجه کلزار چنان	مسقط رأس خلیل الرحمن
نه رها عبطه که خطه شام	مظهر معجزه برد و سلام
برزمان اردنه واستانبول	اولدک سه سالن کجا جای نزول
لله الحمد نیجه منصب جا	اولدی بو بند به احسان الله
قالیوب صکره دماغ دولت	اولدم انباری کچ عزت
جذبۀ آب و هو اولدک سب	اولدک ارامکم شهر حلب
سبب نظم نصیحت نامه	
ای چراغ طربا فرو زامل	هبه حضرت حق عز وجل
حمد لله نسبک عالیدر	علمه جد و ابک مالیدر